

مطالعه تطبیقی دو ترجمه فارسی (مهدی سحابی و مهشید ضرغام) از کتاب مرگ

آرتمیو کروزر نوشته کارلوس فونتنس در گذر از زبان واسطه

مقاله پژوهشی

رؤیا لطافتی (نویسنده مسئول)^۱

استاد گروه فرانسه دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

فاطمه مرادی

دانشجو کارشناسی ارشد زبان فرانسه دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

ترجمه از زبانی به زبان دیگر دارای مشکلات فراوانی است. حال اگر ترجمه از زبان واسطه صورت بگیرد، مسئله پیچیده‌تر و وخیم‌تر نیز می‌شود. در این پژوهش سعی بر آن است تا میزان تأثیر ترجمه از زبان واسطه آشکار و سنجیده شود. به این منظور، متن مبدأ را کتاب مرگ آرتمیو کروزر اثر فونتنس در نظر گرفته‌ایم که به زبان اسپانیایی نگاشته شده است. ابتدا میزان وفاداری دو مترجم فرانسوی و انگلیسی این اثر را بررسی کردیم تا روند تأثیر دو ترجمه فارسی آن را که از زبان واسطه، یکی از فرانسوی و دیگری از انگلیسی ترجمه شده‌اند، مورد مطالعه قرار دهیم. جهت تحلیل داده‌های گردآوری‌شده و ارزشیابی میزان وفاداری مترجمان، از نظریه جولیان هاوس بهره برده‌ایم. کتاب مرگ آرتمیو کروزر را مهدی سحابی از زبان فرانسه و مهشید ضرغام از انگلیسی ترجمه کرده‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده، در وهله اول مترجم فرانسوی نسبت به مترجم انگلیسی اثر به شیوه‌ای قابل قبول‌تر عمل کرده است. بر این مبنای مهدی سحابی نیز که از روی نسخه فرانسوی اقدام به ترجمه کرده، در انتقال مباحث زبانی و فرهنگی از ضرغام پیشی گرفته است. بنابراین، هرچند در هنگام ترجمه و به‌ویژه ترجمه از زبان واسطه، ظرافت‌هایی از متن اصلی از بین می‌رود؛ اما اگر مترجم اول در کار خود موفقیت نسبی حاصل کرده باشد، مترجم دوم نیز به‌نوبه خود، به‌درستی عمل خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، زبان واسطه، مهدی سحابی، جولیان هاوس، مرگ آرتمیو کروزر.

^۱ E-mail: letafati@modares.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2022.73930.1028>

۱. مقدمه

نویسنده اسپانیایی کتاب مرگ آرتمیو کروز کارلوس فوننتس ماسیاس^۱ (۲۰۱۲-۱۹۲۸) است. او تمایل نداشت که در ژانر ادبی خاصی محدود شود. مرگ آرتمیو کروز، اولین اثر و مهم‌ترین رمان فوننتس است که در میان اروپایی‌ها نیز به محبوبیت چشمگیری دست یافت. رابرت ماراست^۲ این کتاب را به فرانسه و سام هیلمن^۳ آن را به انگلیسی و مهدی سحابی و مهشید ضرغام آن را به ترتیب از روی نسخه‌های فرانسوی و انگلیسی به فارسی ترجمه کرده‌اند. این نوع ترجمه را ترجمه غیر مستقیم یا واسطه می‌نامند. مسئله این تحقیق، بررسی اهمیت نقش مترجم در ترجمه واسطه است. مترجم باید در هنگام ترجمه، دقت و مهارت لازم را احراز و معادل‌هایی واضح و روشن برای مفاهیم متن اصلی، در زبان مقصد پیدا کند؛ زیرا ترجمه بدون شک جایگاه مهمی در ارتقا فرهنگ و تمدن جوامع بشری دارد. در ایران، زبان انگلیسی بیشترین محبوبیت را دارد. بنابراین کتاب‌های انگلیسی‌زبان برای ترجمه انتخاب می‌شوند و این مسئله‌ای است که منتقدان خود را دارد؛ البته قبل از جنگ جهانی دوم، زبان فرانسوی زبان خارجی محبوب در ایران بود و مترجمان ترجیح می‌دادند از فرانسه ترجمه کنند. مخالفان ترجمه از زبان واسطه معتقدند که هر زبانی فرهنگ خاص خود را دارد و در حین ترجمه ممکن است دچار تغییرات جبران‌ناپذیری شود و با ترجمه از یک زبان واسطه، اوضاع بدتر هم می‌شود. مشکل دیگر این است که منبع اصلی برخی از علوم به انگلیسی نیست؛ به عنوان مثال، مبدأ فلسفه، آلمان و فرانسه است، در حالی که ترجمه این آثار اغلب از انگلیسی صورت می‌گیرد.

در این پژوهش هدف ما یافتن مشکلات و راه‌حل‌های احتمالی است که در هنگام ترجمه از زبان واسطه اتفاق می‌افتد و در پی آنیم که به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: ۱- در فرآیند ترجمه کتاب مرگ آرتمیو کروز، کدام مترجم (رابرت ماراست یا سام هیلمن) به متن اصلی وفادارتر بوده است؟ ۲- در دو ترجمه موجود از کتاب فوننتس به فارسی، کدام مؤلفه‌های زبانی با گذر از زبان واسطه حذف یا اضافه شده‌اند؟ ۳- در دو ترجمه موجود از کتاب فوننتس به فارسی، چه مؤلفه‌های فرهنگی با گذر از زبان واسطه حذف یا اضافه شده‌اند؟ فرضیه‌ها نشان می‌دهد که در سؤال اول به نظر می‌رسد، مترجم فرانسوی، رابرت ماراست، در انتقال سبک فوننتس موفق‌تر از مترجم انگلیسی، سام هیلمن بوده است. در سؤال دوم به نظر می‌رسد مهدی سحابی، بهترین انتخاب را در انتخاب علائم و واژگان، پاراگراف و مکاتبات دستوری دارد و در آخرین سؤال به نظر می‌رسد که سحابی، در ترجمه‌ای از فرانسه،

¹ Carlos Fuentes Macias

² Robert Marast

³ Sam Hillman

نسبت به مهشید ضرغام، مترجم انگلیسی کتاب فونتس، به مؤلفه‌های فرهنگی، ضرب‌المثل‌ها، استعاره‌ها، کنایه‌ها، ارجاعات فرهنگی و اجتماعی وفادارتر بوده است.

۲. پیشینه تحقیق

موضوع ترجمه از زبان واسطه، مسئله نوظهوری نیست و سال‌هاست که افراد به این موضوع فکر می‌کردند که آیا ترجمه از یک زبان واسطه مجاز است؟ در کتاب پنجاکیانه یا پنج داستان ذکر شده است که اکبرشاه، سومین پادشاه، نویسنده و محقق کورکان هند، دستور ترجمه مستقیم کتاب کلیده‌ودمنه را از زبان سانسکریت به فارسی داد؛ زیرا او ترجمه دوباره از روی نسخه‌های ترجمه ابن مقفع، نصرالله منشی و انوار سهیلی را صحیح نمی‌دانست (هاشمی عباسی، ۱۹۳۴: ۴-۵).

تحقیقاتی در رابطه با مباحث مربوط به ترجمه واسطه انجام شده است که در زیر به طور مختصر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

طه حسین، محقق مصری، رمان‌نویس، مقاله‌نویس و منتقد ادبی، ترجمه از زبان واسطه را برای زبان‌هایی که در خاورمیانه کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند (به‌عنوان مثال آلمانی) مجاز می‌داند. او اشاره می‌کند که «اگر مترجم، یک اثر فرانسوی را که توسط نویسنده آلمانی نوشته شده ترجمه کند، می‌تواند ترجمه خود را با ترجمه انگلیسی این اثر مقایسه کند و از صحت آن اطمینان حاصل کند» (طه حسین، ۱۳۹۸: ۲۲). امامی (۲۰۰۶) سه روش مختلف برای ارزیابی ترجمه را توصیف می‌کند که هر یک براساس مفهوم متفاوتی از معنی و نقش آن در ترجمه است، سپس مدلی برای ارزیابی ارائه می‌دهد که انواع مختلف ترجمه را از هم متمایز می‌کند. سید حسینی (۲۰۰۹) ترجمه از زبان واسطه را قبول ندارد. او در پیش‌گفتار ترجمه رمان تونیو کروگراژتوماس من اعتراف می‌کند که هنوز نگران صحت این ترجمه است؛ زیرا او آن را از ترکی و فرانسوی ترجمه کرده بود. بنابراین تطبیق آن با متن اصلی تلاش زیادی لازم داشت. او به مترجمان جوان توصیه می‌کند که آثار ادبی را از زبان اصلی ترجمه نکنند. زعفرانی (۲۰۱۲) تلاش می‌کند کیفیت ترجمه متون سیاسی از انگلیسی به فارسی را که در نوامبر و دسامبر ۲۰۱۲ از سایت پرس‌تی‌وی پخش شده است، براساس مدل ارزشیابی جولیان هاوس (۱۹۹۷) ارزیابی کند و ابراهیم (۲۰۱۵) مطالعه تطبیقی درباره ترجمه مستقیم و واسطه از رمان بیگانه آلبر کامو انجام داده است که هدف او از این پژوهش مطالعه محصول خروجی ترجمه مستقیم و ترجمه واسطه این رمان در زمینه تغییرات کاهشی در حین ترجمه از متن فرانسه به فارسی با واسطه انگلیسی است.

۳. چهارچوب نظری

نقد ترجمه یا ارزیابی کیفیت ترجمه به اندازه خود ترجمه قدمت دارد. در واقع، مدت‌هاست که بحث در مورد کیفیت و ارزیابی ترجمه‌ها به جدیت ادامه داشته است. در اینجا، ما بر روی مدل ارزیابی ترجمه که توسط جولیان هاوس زبان‌شناس انگلیسی ارائه شده است، متمرکز می‌شویم که از نظریه هالیدی نشئت گرفته است. ترجمه شامل جایگزینی متن در یک زبان با متنی دیگر، با عملکرد معادل، در زبانی دیگر است. دستیابی به این برابری عملکردی، اساساً به دو نوع ترجمه به دست آمده از نظر تجربی (هاوس، ۱۹۸۱: ۱۰۱)، ترجمه صریح (باز) یا ضمنی (مخفی) بستگی دارد. این تمایز از یک نظریه ترجمه ناشی می‌شود (هاوس، ۲۰۰۹: ۲۳).

جولیان هاوس برای عملی کردن مدل پیشنهادی خود، ابتدا شرحی از بافت متن اصلی تهیه می‌کند، سپس، توصیفی از ویژگی‌های گفتمان متن مبدأ که می‌تواند از طریق بافت متن نیز مشخص شود، به شرح اولیه اضافه می‌کند. او سپس نقش را از نظر رابطه بین فرستنده و گیرنده پیام و انتقال اطلاعات توضیح داد. آن‌گاه به متن مقصد رفته و مراحل توصیفی قبل را انجام می‌دهد. سرانجام، او با مقایسه توصیف متن مبدأ و شرح متن مقصد، مجموعه‌ای از ناسازگاری‌ها و اشتباهات را پیدا می‌کند که با توجه به شرایط، بافت و غیره طبقه‌بندی شده‌اند.

او در اجرای این مدل، به تعریف و توضیح چند مفهوم پرداخت:

۱) ترجمه آشکار

ترجمه آشکار ترجمه‌ای است که در آن خصوصیات فرهنگی منبع (به‌عمد) حفظ شده باشد (هاوس، ۲۰۰۹: ۱۱۸) و اثر مترجم مشهود است. ترجمه متن آشکار زمانی مورد نیاز است که متن اصلی به فرهنگ مبدأ وابسته بوده و در آن فرهنگ جایگاه مستقلی داشته باشد.

۲) ترجمه ضمنی (مخفی یا پنهان)

ترجمه مخفی درحقیقت بازتولید نقش متن مبدأ در سیستم مقصد است که درک متن را برای خواننده آسان می‌کند؛ به عبارت دیگر، مترجم متن اصلی رمز و راز موجود در متن را از بین می‌برد؛ یعنی در ترجمه مخفی، این محصول به‌گونه‌ای است که گویی در فرهنگ مقصد ایجاد شده است. (هاوس، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

۳) فیلتر فرهنگی

در تعریف جولیان هاوس درباره فیلتر فرهنگی آمده است:

مجموعه‌ای از ابعاد فرهنگی متقاطع که در آن اعضای دو فرهنگ از نظر زمینه‌های فرهنگی اجتماعی و ترجیحات ارتباطی با یکدیگر متفاوت هستند. این امر همچنین ارزیابی را دشوار می‌کند؛ زیرا شامل ارزیابی کیفیت فیلترهای فرهنگی معرفی شده در ترجمه می‌شود (هاوس، ۱۹۹۸: ۲۰۰).

۴) طرح تحلیل و مقایسه متن مبدأ با متن ترجمه شده

شرط اساسی ایجاد تعادل بین متن مبدأ و مقصد این است که ترجمه نقشی معادل با متن مبدأ داشته باشد. در واقع، بیشتر فرآیند تقابل متن اصلی با متون ترجمه شده برای تعیین اینکه آیا عملکرد متن مبدأ در سیستم مقصد حفظ شده است، انجام می‌شود. به گفته هاوس، میزان دستیابی به تعادل کامل، به نوع ترجمه انجام شده بستگی دارد.

۴. روش تحقیق

این پژوهش یک مطالعه تحلیلی و توصیفی است و با مقایسه بین نسخه اصلی مرگ آرمیو کروز و ترجمه‌های انگلیسی، فرانسوی و فارسی آن انجام شده است. در این قسمت، ما به منظور پاسخ به سه سؤال تحقیق، داده‌های جمع‌آوری شده براساس نظریه جولیان هاوس را مرور خواهیم کرد؛ اول از همه، مشخص می‌کنیم که در روند ترجمه کتاب مرگ آرمیو کروز، کدام مترجم (فرانسوی یا انگلیسی) بیشتر به متن اسپانیایی وفادار بوده است. در این راستا، ما عناصری را بررسی کرده‌ایم که وفاداری مترجم به متن اصلی را نشان می‌دهد؛ همانند وفاداری به سبک نوشتاری، آوایی و محتوایی. سپس، در دو ترجمه موجود از این کتاب به زبان فارسی که مهدی سحابی و مهشید ضرغام ترجمه کرده‌اند (اولی از زبان فرانسه و دومی از انگلیسی) تعیین می‌کنیم که کدام یک از مؤلفه‌های زبانی در گذر از زبان واسطه حذف یا اضافه شده‌اند. در این بخش، ما از نظریه جولیان هاوس برای بررسی چهارچوب کلی و نظریه وینی و داربلنه برای بررسی جزئیات استفاده می‌کنیم. سرانجام، در دو ترجمه موجود از کتاب مرگ آرمیو کروز به فارسی، مشخص می‌کنیم که کدام مؤلفه‌های فرهنگی در گذر از زبان واسطه، حذف یا اضافه شده‌اند.

روندی کند، پراکنده و حیرت‌انگیز در گذشته، ویژگی اصلی رمان مرگ آرمیو کروز است. برخی این تقویم جدید را براساس تقویم آرتک (بومی مکزیکی) تفسیر کرده‌اند. به نظر می‌رسد که دوازده مرحله یادآوری شده توسط راوی دانای کل؛ مانند یک طبقه از جهنم است: خیانت، فرصت طلبی، شهوت، دروغ، قتل، سرقت، شهوت، پول‌سازی، طمع، تکبر، حرص و عصبانیت. او با گناهان خود روبه‌رو می‌شود که سرانجام با بازگشت به نقطه صفر دنیا می‌تواند زمینه ترکیه نفس را فراهم کند.

۵. بحث و بررسی

۵.۱. میزان وفاداری

یکی از مؤلفه‌های اصلی فوننتس در بیشتر آثار خود؛ از جمله این کتاب، عدم پایبندی به سبکی خاص در نوشتن و روایت است. او فقط به ادبیات جادویی، سورئالیسم، پست‌مدرنیسم و رئالیسم محدود نمی‌شود و همه آن را با هم در مرگ آرمیو کروز می‌بینیم. لازم است برای بررسی وفاداری دو مترجم فرانسوی و انگلیسی به متن اسپانیایی این کتاب، مواردی که وفاداری در آنها ضروری است را بررسی کنیم:

۵.۱.۱. وفاداری در بازآفرینی محتوا

مترجمان فرانسوی و انگلیسی این کتاب در انتقال چهارچوب کلی داستان موفق بوده‌اند و هیچ‌گونه تناقضی در ترجمه‌های آنها مشخص نشده است. دو مترجم از نظر کیفی و کمی در انتقال محتوا موفق بوده‌اند و پیچیدگی‌های متن اصلی را به خوبی منتقل کرده‌اند.

در مورد انتقال معنای اشعار درون متن، در برخی اشعار هردو مترجم فرانسوی و انگلیسی شعر را ترجمه و معنی آن را منتقل کرده‌اند؛ اما در شعری دیگر، مترجم فرانسوی شعر را به زبان اسپانیایی در کتاب خود تکرار کرده؛ اما مترجم انگلیسی آن را ترجمه کرده است؛ اما جملاتی اضافه کرده است که در نسخه اسپانیایی موجود نیست؛ برای مثال:

نسخه اسپانیایی

Con Líster y Campesino,
Con Galán y con Modesto,
Con el comandante Carlos,
No hay milicianos con miedo (p. 220).

نسخه انگلیسی

O with Lister and Campensino,
With Commander Carlos as our guides
The army of the people is so brave
It will surely turn the tide (p. 232).

همچنین، این کتاب دارای یک بافت تاریخی است که در آن ذکر هر تاریخ بی‌ارتباط با وقایع انقلاب مکزیکی نیست؛ اما تاریخی که در نسخه انگلیسی ذکر شده با نسخه اسپانیایی، از نظر سال، مطابقت ندارد و مترجم فارسی هم به تبعیت از متن انگلیسی تاریخ‌ها را اشتباه ترجمه کرده است. برای مثال:

“18 : اسپانیایی (6 DE JULIO : 1941”

“15 : انگلیسی (July 6 : 1911”

**

“88 : اسپانیایی (3 DE JUNIO : 1924”

“75 : انگلیسی (June 3 : 1923”

در مورد تمام دعاها و شعرهای لاتین، این دو مترجم آنها را به همان شکلی که بودند، منتقل کرده‌اند که باعث می‌شود این قسمت از متن برای خواننده قابل درک نباشد و محتوای آن عملاً از دست برود.

۵.۱.۲. وفاداری در بازآفرینی سبک

وجود تعادل زیبایی‌شناختی در دو اثر را می‌توان حاصل ترجمه وفادارانه مترجم دانست. با توجه به عدم وجود توازن مطلق بین دو زبان، هیچ ترجمه وفادارانه‌ای وجود ندارد و همواره نسبی خواهد بود. برای آزمایش صحت ترجمه سبک متن اسپانیایی توسط مترجمان انگلیسی و فرانسوی، در اینجا چند مثال آورده شده است:

«Va a la biblioteca en cuanto el reloj de las siete» (p. 47).

معنای تحت‌اللفظی عبارت این است: «به محض اینکه ساعت، هفت را نشان داد، به کتابخانه بروید». مترجم انگلیسی این‌گونه ترجمه کرده است:

«Comme to the library at seven o'clock sharp» (p. 53).

کلمه انگلیسی "sharp" معادل کلمه "précise" در فرانسه است؛ اما سبک نوشتار به‌طور دقیق منتقل نشده است. بهتر است جمله را این‌گونه بگوید:

«Comme to library as soon as the clock strikes seven».

در حالی که مترجم فرانسوی جمله اسپانیایی را به همان سبک ترجمه کرده است:

«Viens à la bibliothèque lorsque la pendule sonnera sept heures» (p. 64).

علاوه بر این، در ترجمه انگلیسی، در بعضی از موارد، جملات به عنوان نقل قول در گیومه نوشته شده اند، در حالی که در نسخه اسپانیایی به هیچ وجه نقل قول نبوده است. کافی است مترجم بخواهد همسو با نویسنده باشد. برای این کار مترجم نخست ویژگی های برجسته سبک نویسنده را استخراج کرده و ویژگی های سبک او را در ترجمه خود بازآفرینی کند.

۱/۵.۳. وفاداری در لایه آوایی

عنصر موسیقی از مهم ترین ویژگی های شعر است. وزن، هجاها و سیلاب های شعر با محتوای شعر و احساسات صاحب آن بی ارتباط نیست. با بررسی یک شعر، معلوم شد که مترجم فرانسوی بیشتر از مترجم انگلیسی به حفظ عنصر آوایی وفادار بوده است؛ البته مجاورت زبان فرانسه به اسپانیایی نسبت به انگلیسی به اسپانیایی بی تاثیر نیست.

۱.۴.۱. وفاداری در لایه واژگان

یکی از مراحل مهم ترجمه، معادل یابی واژگان است. این گزینش براساس دو محور جانشینی و هم نشینی و با توجه به عوامل مؤثر بسیاری، همچون بافت فرهنگی و موقعیتی صورت می گیرد. نادیده گرفتن بافت موقعیتی و «ماندن در سطح زبانی می تواند به متنی غیر قابل فهم بینجامد» (بابک معین، ۱۳۹۲: ۱۱). فرکانس هر یک از این کلمات به دلیل ویژگی های آنها، به متن ویژگی خاصی می بخشد.

در صفحه ۲۲۰ کتاب اسپانیایی، ما در مورد سلاحی جنگی به نام "ametralladora" صحبت می کنیم که مترجم انگلیسی آن را "gun" و مترجم فرانسه "mitrailleuse" ترجمه کرده است. "Ametralladora" نوعی اسلحه گرم اتوماتیک است که برای شلیک مقدار زیادی گلوله از یک کمر بند مهمات طراحی شده است که به طور معمول در مدت زمان کوتاه و به صورت مداوم می تواند صدها گلوله در دقیقه شلیک کند. بنابراین "gun" یک اصطلاح عمومی برای معرفی سلاح است و به ابزار جنگی مدنظر متن اسپانیایی اشاره نمی کند، در حالی که معادل فرانسوی که به معنی "مسلسل" است، درست انتخاب شده است. براساس دسته بندی و حذف واژگان تکراری روشن شد که هر دو اثر تنوع واژگان بالایی دارند و در این زمینه، تفاوت چشمگیری در آنها دیده نمی شود؛ اما در اغلب موارد، در ترجمه کلمات از اسپانیایی به فرانسوی و انگلیسی، مترجم اول در انتخاب معادل های دقیق، هوشمندانه تر عمل کرده است.

۵. ۱. ۵. وفاداری در لایه نحوی

مترجم در انتقال نحو باید با انتخاب دستور زبان مناسب بیشترین تعادل سبک را با متن اصلی ایجاد کند. کیفیت چینش کلمات در جمله، کوتاهی و بلندی، سادگی و پیچیدگی عبارت‌ها، نوع جملات؛ اعم از اسمیه و فعلیه بودن، فصل و وصل عبارت‌ها، نوع افعال و ساختار معلوم و مجهولی آنها، تقدیم و تأخیرها و ... از جمله مباحثی است که می‌توان در لایه نحوی متن از آنها سخن گفت.

به‌عنوان مثال، در طول متن اسپانیایی جملاتی به انگلیسی وجود دارد؛ مانند مثال زیر:

«Pero un pono las conocía bien y no podía hablar y como decían los americanos the customer is always right...» (pp. 23-24)

در نسخه فرانسوی، این جمله به شکل زیر ترجمه شده است:

«Mais enfin, elle ne les connaissait pas très bien et ne pouvait rien dire et comme dissent les Américains the customer is always right ...» (p. 28).

مترجم به خوبی می‌داند که وجود یک جمله انگلیسی در متن اسپانیایی نشانگر غرور و تکبر شخصیت داستان و زندگی اشرافی و تجملاتی اوست. بنابراین هنگام انتقال متن باید با تکرار همان جمله این موضوع را صادقانه بیاورد. اکنون واکنش مترجم انگلیسی به این موضوع بسیار جالب است:

«They weren't friends of hers and she couldn't say anything, and anyway, as the Americans put it, "the customer is always right» (p. 15).

به‌نوبه خود، مترجم انگلیسی برای تمایز این جمله انگلیسی از جملات دیگر کتاب، آن را در علامت گیومه قرار داده است.

برخی از دعاهای لاتین توسط کشیش تلفظ می‌شود و مترجمان آنها را برای خودداری از خیانت در ترجمه کتاب مقدس و دعا مستقیماً در متن خود نقل کرده‌اند.

در اینجا چند خطای فاحش نحوی در نسخه انگلیسی آورده شده است:

«Yo despierto (نسخه اسپانیایی)»

«I wake (نسخه انگلیسی)»

باید گفته می‌شد «I wake up».

«Sin comer (نسخه اسپانیایی) 161»

«Had not eaten (نسخه انگلیسی) 137»

بهبتر است طبق نسخه اسپانیایی بگویید "without eating".

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که مترجم انگلیسی با عدم تسلط کافی تسلط بر زبان مقصد، در انتخاب معادل صحیح برخی از افعال و قواعد دستوری اشتباه کرده است. بررسی میزان وفاداری دو مترجم فارسی از متون فرانسه و انگلیسی در این قسمت در نظر داریم از الگوی جولیان هاوس استفاده کنیم. از نظر هاوس، دو عنصر اصلی برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی ترجمه وجود دارد که باید مورد تأکید قرار گیرد: (۱) بافت و (۲) گفتمان

۵.۲. بافت

به گفته هاوس (۱۹۹۷)، شخص باید توصیفی از بافت متن اصلی تهیه کند و سپس به متن مقصد برود و بررسی کند که آیا مراحل توصیفی را انجام شده است تا مجموعه‌ای از ناسازگاری‌ها و خطاها را با توجه به وضعیت، بافت و غیره طبقه‌بندی کند.

۵.۲.۱. بافت تاریخی

در این زمینه، ویژگی‌های معمولی با توجه به دامنه، ساختار، ساخت روایت، طرح، شخصیت‌های اصلی و نمایش واقعیت و داستان ارائه می‌شود که یک رمان تاریخی را متمایز می‌کند. رمان‌های تاریخی با ساختار خاصی مشخص می‌شوند. به‌طور خاص، یک رمان تاریخی حاوی پیش‌گفتار است. پیش‌گفتار برای معرفی بافت مطالب به خواننده صورت می‌گیرد تا با گسترش دانش تاریخی، او را در درک بهتر مطالب یاری دهد. سحابی، علاوه بر ترجمه پیش‌گفتار ارائه‌شده توسط نویسنده در ابتدای کتاب، از آنجاکه وقایع کتاب ارتباط تنگاتنگی با تاریخ معاصر مکزیک دارد، در پایان کتاب مروری بر تاریخ این کشور را اضافه می‌کند، در حالی که ضرغام درباره نویسنده و به‌طور خلاصه درباره آثار او صحبت کرده است.

در متن اصلی جملاتی وجود دارد که مشخص است متعلق به قرن فعلی نیست. استفاده مکرر از اصطلاحات مذهبی مربوط به مسیحیت و قوانین فنودالی تا حدودی تاریخچه متن را تعریف می‌کند که از قرون وسطی شروع می‌شود و تا اوایل قرن بیستم ادامه دارد. مترجم باید لحن و کلمات متناسب با این بافت تاریخی را انتخاب کند. سحابی این کار را به خوبی انجام داده و تصویری تاریخی را در ذهن خواننده تداعی می‌کند؛ اما آن‌طور که از متن ترجمه‌شده توسط ضرغام برمی‌آید، هیچ بافت تاریخی از این متن متصور نمی‌شود.

۵. ۲. ۲. بافت فرهنگی

فرهنگ مفهوم گسترده‌ای است که شامل ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جوامع بشری و همچنین دانش، اعتقادات، هنرها، قوانین، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عادت‌های افراد این گروه‌ها، ادبیات، علوم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است. ترجمه منحصرأ یک فرآیند زبانی نیست؛ بلکه یک فرآیند فرهنگی است که شناخت دقیق آن از فرهنگ مبدأ و مقصد ضروری است؛ زیرا مسائل فرهنگی به‌عنوان مانعی در حین ترجمه ظاهر می‌شود.

۵. ۲. ۲. ۱. ایدئولوژی غالب بر جامعه

در طول رمان فوننتس، روان‌بودن روایت اسپانیایی با ظاهر گاه‌به‌گاه و ناخوشایند کلمات یا عبارات انگلیسی قطع می‌شود. اولین مورد از این دخالت‌ها در چند صفحه از رمان ظاهر می‌شود، هنگامی که آرتمیو کروز سوار پرواز داخلی بین هر موسیلو و مکزیکو سیتی است:

« No smoking, Fasten Seat Belts. » (La muerte... 16).

ظهور ناگهانی جملات انگلیسی در میان متن اسپانیایی به‌عنوان یک پرچم قرمز برای خواننده عمل می‌کند. بنابراین، به این واقعیت هشدار داده می‌شود که موقعیت ممتاز آرتمیو محصول همدستی او با یک جاسوس خارجی به کشورش است. سفر هوایی به مکزیک که فقط برای نخبگان ثروتمند قابل دسترسی است، تجملی است که توسط گرینگوها به ارمغان آورده است. در صفحات بعدی کتاب، با رخنه‌های جملات انگلیسی مشابه، به ویژگی‌های مختلف دنیای تجمل تجاری که خانواده کروز در آن زندگی می‌کنند، اشاره شده است. سحابی در مواجهه با این مشکل، همین جملات انگلیسی را با املای انگلیسی و گاه فارسی تکرار می‌کند تا این اشرافیت و این طبقه از زندگی را نشان دهد. و نباید فراموش کرد که کروز نماینده‌ای از مردم انقلابی مکزیک است.

«... اما چاره‌ای نیست، آن دو را نمی‌شناسد و نمی‌داند چه بگوید به قول آمریکایی‌ها the customer is always right...» (سحابی، ۱۳۹۱: ۵۷).

فهم این جمله انگلیسی بسیار ساده و حتی معادل آن در فارسی بسیار رایج است (حق با مشتری است)؛ اما با تکرار همان جمله در نسخه فارسی، لوکس بودن فرد را نشان می‌دهیم یا در بعضی از صفحات جمله‌ای را به انگلیسی با املای فارسی نوشته و در پاورقی معنی آن را آورده است. همچنین، در صفحات اولیه کتاب مؤلفه‌هایی از نظام سرمایه‌داری را مشاهده می‌کنیم که با کلمات و جملات و حتی سبک نقل قول خاصی بیان می‌شوند که مترجمان باید در مواجهه با آن، با مطالعه تفکر غالب جامعه در آن روزگاران، در انتقال مطالب گزینش صحیحی داشته باشند.

۳.۵. مذهب

کارلوس فونتس شخصیتهای خلق کرده است که شاید خیلی دوست داشتی به نظر نرسد: فرصت طلب، مغرور و خیانتکار و بی وفا؛ اما این چهره منفور نویسنده مکزیکی یکی از به یادماندنی ترین شخصیت های تاریخ ادبیات است که به نظر می رسد مانند بسیاری از انسان های هم نوع خود باشد. این مرد ناباورانه همچنین در آخرین لحظات زندگی با کشیش صحبت می کند و ابراز پشیمانی می کند. این کتاب پر از اصطلاحات مذهبی و توضیح آیین ها و دعاها و دعاهای مختلف مسیحیان به زبان لاتین است. حال بیابید نگاهی به واکنش مترجمان به این دعاها و توضیحات بیندازیم:

سرود، گور، صدا، خرمن آتش، در بخش فراموش شده ضمیرت این آیین ها، این مراسم، این هبوط را مجسم می کنی: تدفین، سوزاندن جسد، مومیایی، جسدت بر فراز برج، تا نه خاک که هوا آن را پپوشاند، دفن شده در خاک همراه با بردگان مرده است، گریه سوگواران حرفه ای بر سر گورت (سحابی، ۱۳۹۱: ۲۲۶).

همان طور که مشاهده می کنید، سحابی هرگز از معادل های مذهبی اسلامی برای ترجمه کلمات مذهبی متعلق به یک کشور آمریکای لاتین استفاده نکرده و حتی سعی کرده است که به آنها شباهت نداشته باشد؛ زیرا آداب و رسوم هر کشور فقط به او تعلق دارد. او سعی کرده از رایج ترین کلمات برای توصیف کلمات مذهبی استفاده کند؛ به عنوان مثال، می توانست «سرود» را «نوحه»، قبر را «گور» و فرد سوگوار را «عزادار» ترجمه کند؛ اما در این صورت کاملاً یک مراسم عزاداری متعلق به مسلمانان را تشریح کرده تا مسیحی. همان گونه که متأسفانه ضرغام دست به چنین ترجمه ای زده است.

۳.۵.۱. لباس مخصوص کشور

رابطه بین لباس و فرهنگ به قدری قوی است که وقتی غریبه ای وارد محیط می شود، اولین نشانه ای که او را می شناسد، لباس های اوست؛ گویی مردم با لباس با یکدیگر صحبت می کنند. هرکسی خود را به زبان لباس خود معرفی می کند، من کیستم، از کجا آمده ام و به کدام جهان و فرهنگ تعلق دارم. لباس زنانه در انتهای صفحه ۲۵ ترجمه ضرغام واقع شده است؛ جایی که یک پیشخدمت با لباس خاص توصیف شده است:

پیشخدمت ظاهر شد، زنی بود با لباس محلی (Tehuantepec)...

«The waitress dressed in Tehuana costume» (p. 16)

"Tehuana" یکی از مشهورترین لباس‌های محلی مردم مکزیک است. ضرغام برای ترجمه این عنصر فرهنگی ترجیح داد از همان کلمه با املاي انگلیسی در متن استفاده کند که ناخوشایند به نظر می‌رسد. حال بیایید ترجمه سحابی را ببینیم تا بدانیم او در قبال این عنصر فرهنگی چگونه کار عمل کرده است:

«... پیشخدمتی که لباس سرخپوستی به تن داشت...» (سحابی، ۱۳۹۱: ۲۲).

ترجمه سحابی در این مورد بسیار کلی است. اگر به نسخه فرانسوی جمله مراجعه کنیم، می‌بینیم که مترجم اشتباه نکرده و معادل انتخاب او برای کلمه "costume d'Indienne" بوده است. در اینجا، برای روشن شدن موضوع، باید به نسخه اسپانیایی کتاب مراجعه کرد تا ببینیم کدام مترجم، فرانسوی یا انگلیسی هنگام ترجمه کلمه اشتباه کرده است.

« La mesera vestida de tehuana ... » (p. 25)

در نسخه اسپانیایی، همین کلمه‌ای که در انگلیسی استفاده شده به کار رفته است؛ اما این مترجم فرانسوی بوده که ترجیح داده کلمه را برای درک خواننده، به‌طور کلی به لباس سرخپوستی محدود کند؛ اما در این مورد نیز همانند سایر نام‌های خاص، بهتر است از روش وام‌گیری استفاده شود و سپس املاي اصلی کلمه همراه با توضیحات بیشتر در پاورقی ارائه شود.

۴.۵. گفتمان

در این بخش به توضیحات قبل، گفتمان متن منبع را اضافه می‌کنیم تا رابطه بین فرستنده و گیرنده پیام و اطلاعات منتقل شده را برای یافتن مجموعه‌ای از ناسازگاری‌ها و خطاها طبقه‌بندی شده با توجه به موقعیت، بافت و غیره توصیف کنیم. گفتمان برابر با متن + بافت است. پنج نوع گفتمان وجود دارد که براساس هدف متن، می‌توانند در یک متن واحد ظاهر شوند: گفتمان روایی، توصیفی، تبیینی، استدلالی و استقرایی. رمان مرگ آرتیمو کروز ساختار داستانی دارد. لحظه دراماتیک رمان آخرین ساعات و در حالت نیمه‌هوشیار کروز است که همان‌طور که گفته شد از ۱۸۸۹ تا ۱۹۵۹ در ۱۲ روز محوری به زمان روایت می‌رسد و این دوازده روز به ترتیب ظهور آنها در رمان است. هدف اصلی این بخش بررسی سه عنصر زاویه دید، زمان و لحن به‌عنوان فنون قصه‌گویی و عملکرد آنها در توصیف مشکلات مردم مکزیک در طول انقلاب و میزان موفقیت مترجمان ما در وفاداری به متن اصلی و در نتیجه نقش ترجمه از زبان واسطه است.

۴.۵.۱. زاویه دید

این رمان از سه نظر روایت می‌شود. من (وقتی آرتیمو کروز بی‌روح دروغ می‌گوید و همسر، دختر، نوه، داماد، مشاور و پزشکان در اطراف او هستند و او به روشی روان از ذهنش می‌گوید)؛ تو (در داستان وجدانی

سرزنشگر و پرسشگر است که گاهی به آینده می‌رود.)؛ او (فونتس دوازده واقعه مهم زندگی کروز را بازگو می‌کند و از طریق همین چشم‌انداز است که آرتیمو کروز و حتی خواننده با این راوی «او» به درک کامل‌تری از «کاتالینا» و سایر شخصیت‌ها می‌رسند) و در نهایت در پایان کتاب، سه راوی با هم ملاقات می‌کنند و می‌میرند. اکنون به ترجمه سحابی از این جمله نگاه کنید:

من که هنوز می‌دانم در حالی که تو دیگر نمی‌دانی، پیش از آنکه بدانی... من که او بودم، تو خواهی شد... می‌شنوم [...] تو را با خود داشتم و با تو خواهم مرد... هر سه... می‌میریم... تو... می‌میری... تو مرده‌ای... من خواهم مرد. (سحابی، ۱۳۹۱: ۲۸۴).

سحابی با رعایت سبک نویسنده، تصویر شخص محتضر را به خوبی بازسازی کرده است. اکنون به ترجمه ضرغام از این جمله نگاه کنید تا ببینیم آیا او تلاقی این سه راوی را به درستی نشان داده است:

من آن را می‌شنوم. منی که وقتی تو دیگر نمی‌دانی و پیش از آنکه بدانی به دانستن ادامه می‌دهم. منی که او بودم، من او می‌شوم [...] من تو را به درون می‌برم و با تو می‌میرم... هر سه ما... می‌میریم تو... می‌میری، یعنی مرده‌ای... من هم می‌میرم (ضرغام، ۱۳۶۴: ۳۷۳).

ناپیوستگی جملاتی که نویسنده عمداً برای تصویرسازی حال متوفی اعمال کرده بود، در ترجمه ضرغام برداشته شده تا با اتصال جملات، برای مخاطب قابل درک باشد و این باعث عدم وفاداری در انتقال سبک شده است.

۵.۴.۲. زمان روایت

ژنت (۱۹۹۷) برای هر گفتمان روایی سه دسته زمانی پیشنهاد می‌کند: «ترتیب زمانی» (مدت زمان وقایع داستان و ارتباط آن با توالی زمانی کاذب برای انتقال این وقایع از طریق گفتمان). تداوم زمان (متغیر بین وقایع داستان و ساعت کاذب سخنرانی یا همان سرعت روایت) و تکرار زمانی (تعداد دفعات تکرار حادثه در تاریخ و تکرار آن در گفتار). (ژنت، ۱۹۹۷: ۴۷).

۵.۴.۱. ترتیب زمانی

برهم‌زدن ترتیب زمانی روایت به معنای بیان حادثه‌ای نامناسب با ارائه آن و انتقال آن به سایر وقایع داستان است و به نوعی مرور زمان تعبیر می‌شود. در داستان، راوی وقایع را براساس خاطرات و تمایلات ذهنی شخصیت در داستان بازگو می‌کند و براین اساس، تقویم زمانی روایت را ذهن کروز و حافظه و رؤیاهای ارادی

و غیرارادی او تعیین می‌کند. ذکر تاریخ در رمان هرچند صفحه یک بار است. موعدهای نامنظم با چندین سال اختلاف که نشان‌دهندهٔ سردرگمی در ذهن راوی است؛ به‌عنوان نمونه در نسخهٔ فرانسوی:

1941 : 6 Juillet
1919 : 26 Mai
1955: 31 Decembre

نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه شود، این است که تاریخ ذکر شده در بالا در ترجمهٔ ضرغام کاملاً متفاوت از نسخهٔ فرانسوی است. شاید گمان بر این باشد که ضرغام مانند سایر خطاهای پیشین، مقصر باشد؛ اما این اشتباهات در ذکر تاریخ، به دلیل ترجمه از زبان واسطه رخ داده و مترجم انگلیسی در انتقال محتوای نویسنده اختلال ایجاد کرده است.

نسخهٔ انگلیسی تاریخ‌های ذکر شده را این‌گونه بیان کرده است:

1911 : 6 July
1919 : 26 May
1915: 31 December

این بازگشت به زمان فقط برای نشان‌دادن شرایط دشوار کروز انجام می‌شود و برای روایت داستان ضروری است؛ زیرا خواننده درگیر آشفتگی ذهنی یک انقلابی است و باید زمینهٔ این تحریکات را نیز درک کند.

۵.۴.۲. تکرار زمانی (فرکانس)

فرکانس به تکرار حادثه‌ای در تاریخ و تکرار آن در گفتار اشاره دارد که برای آن ژنت چهار حالت را ذکر می‌کند: فرکانس مفرد (یک بار اتفاق افتاده و یک بار به صورت گفتار منتقل شده است.)؛ فرکانس برابر (این حادثه چندین بار در داستان رخ می‌دهد و بارها و بارها گفته می‌شود)؛ فرکانس مکرر (اتفاقی که فقط یک بار رخ داده و بارها و بارها بازگو شده است)؛ تکرار داستان‌ها (یک واقعه که چندین بار اتفاق افتاده است، فقط باید یک بار گفته شود.) (ژنت، ۱۹۹۷: ۱۳۱-۱۲۹).

متداول‌ترین نوع تکرار در این داستان مربوط به فرکانس برابر و نمونه‌های واضح‌تری است که کل داستان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این نشانه‌ای از ادامهٔ درد و رنج مردم و انقلابیون مکزیک است.

پادیدا ضبط صوت را روشن می‌کند. صدای خودم، کلمات خودم را می‌شنوم. آخ، فریاد، آخ، فریاد می‌زنم. آخ. زنده ماندم. دو پزشک از در وارد می‌شوند. من زنده ماندم. درد می‌کشم رجینا، درد می‌کشم، درد می‌کشم رجینا، می‌فهمم که دارم درد می‌کشم. (سحابی، ۱۳۹۱: ۱۲).

سحابی با وفاداری به سبک تکرار نویسنده، درد کشیدن آرتمیو کروز را به واقعیت تبدیل می‌کند. اکنون به سراغ نسخه ترجمه شده ضرغام می‌رویم تا ببینیم آیا او نیز در این تصویر دردناک از مرگ آرتمیو صادقانه عمل کرده است یا خیر.

پادیلا ضبط صوت را کار می‌اندازد. صدایم را می‌شنوم، کلمات خودم را. آخ. می‌گویم. آخ. من زنده مانده‌ام! دو دکتر در مقابل در ظاهر می‌شوند. من زنده مانده‌ام. رجینا، درد دارم، درد دارم رجینا، متوجه شده‌ام که درد دارم (ضرغام، ۱۳۶۴: ۱۲).

زمان فعل «زنده مانده‌ام» در ترجمه سحابی در زمان گذشته ساده است و در ترجمه ضرغام به ماضی نقلی ترجمه شده است. حال به نسخه انگلیسی مراجعه خواهیم کرد تا ببینیم آیا این تغییر زمان در عبور از زبان واسطه رخ داده است یا خیر.

“Padilla plugs in the recorder. I hear my voice, my words. Ay, a shout. Ay, I shout. Ay, I survived. There are two doctors standing in the doorway. I survived. Regina, it hurts, it hurts, Regina, i realize that it hurts. (p.17)”

زمان فعل انگلیسی نیز در زمان گذشته ساده است و این ضرغام است که بر زمان افعال و معادل آنها در فارسی مسلط نبوده است. در همین راستا، همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، سحابی موفق شده با ترجمه صحیح تکرار زمانی، تصویری را که نویسنده ترسیم کرده تا درد فلج‌کننده کروز را به خواننده منتقل کند، به خوبی بازسازی کند.

۵.۴.۲.۳. استمرار زمانی

استمرار به رابطه بین زمان گفتمان و زمان قصه‌گویی اشاره دارد و سرعت قصه‌گویی را تعیین می‌کند. «آرتمیو کروز بیمار است. آن یکی. آرتمیو کروز بیمار است: زنده نیست: نه، زنده است. آرتمیو کروز زنده است. چند سالی زنده بود... کم زندگی نکرده، نه، کم زندگی نکرده است. چند روزی زنده بوده است» (سحابی، ۱۳۹۱: ۱۳).

اگر به زمان فعل «زندگی کردن» در این جمله دقت کنید، می‌بینید که مدام از زمان حال به گذشته و برعکس در جریان است و این سرعت سپری شدن زندگی آرتمیو کروز را نشان می‌دهد. سحابی با دانستن ارزش زمان و هدف نویسنده برای استفاده مداوم از آنها در این جمله، آن را به خوبی ترجمه کرده تا رؤیاها و حسرت‌های بی‌شمار آرتمیو کروز را در طول عمرش به مخاطب مورد نظر منتقل کند. حال بیایید ترجمه ضرغام را هم ببینیم:

«آرتمیو کروز بیمار است، او زنده نمی‌ماند. نه، زنده نمی‌ماند! آرتمیو کروز یک وقتی زنده بود. چندین سال زندگی کرد. چند سال. نه چند لحظه سرشار از آرزو. نه چند روزی زندگی کرد. چند روز نه چند لحظه کوتاه!» (ضرغام، ۱۳۶۴: ۱۲).

جمله‌ای که ضرغام ترجمه کرده، کاملاً متضاد با ترجمه سحابی است. اکنون ما به نسخه انگلیسی این جمله مراجعه می‌کنیم تا بفهمیم این مسئله به دلیل ترجمه زبان واسطه رخ داده است:

“Artemio Cruz is sick. He isn't living. He certainly is living. Artemio Cruz lived. He lived for some years . . . Years he didn't miss, years he didn't. He lived for a few days” (p. 7).

با کمی اطلاعات در مورد گرامر انگلیسی، می‌فهمیم که زمان "He is living" حال استمراری است؛ اما مترجم آن را به آینده ترجمه کرده است. بنابراین، هرچند که جمله انگلیسی کاملاً با نسخه فرانسوی سازگار نیست، ضرغام با حذف و اضافه‌ها فراوان، باعث اختلاف زیادی بین دو جمله فارسی شده است.

۵. ۴. ۳. لحن یا صدا

بعضی اوقات در متن اصلی به کلمات نامفهومی برمی‌خوریم که هنگام ترجمه نباید به راحتی از آنها چشم‌پوشی کرد؛ زیرا این مفاهیم نامفهوم قطعاً به دلایلی استفاده شده‌اند؛ به عنوان مثال، در صفحه ۱۷۵ کتاب مورد نظر، با مورد زیر روبه‌رو هستیم:

- Monsieur le President
- Monsior lo Prosidont
- Mansiar le Prasant.

نویسنده برای نشان‌دادن اوضاع سیاسی و بحث‌های شدید در میان انقلابیون در جمله بالا تصویرگری کرده است. یکی از عناصر وفاداری رعایت تمام تلفظ‌ها و گاه املاهای متن اصلی است که برای یک هدف خاص وجود دارد. بنابراین، فونتیس، ستایشگر بزرگ سینما، به هنر هفتم ادای احترام ویژه‌ای می‌کند؛ صحنه اولیه‌ی رمان که آرتمیو از خواب بیدار می‌شود و چهره خود را در منبت‌کاری کریستال یک کیف زنانه مشاهده می‌کند، صحنه‌ی مشابهی از فیلم Citizen Kane (۱۹۴۱) به کارگردانی اوریسون ولز را تداعی می‌کند. سحابی در این زمینه بسیار هوشمندانه عمل کرده و این کلمات را با تلفظ عجیب آنها به شرح زیر ترجمه می‌کند:

- جناب رئیس جمهور

- جنوب رئوس جو مهور

- جنیب رئیس جیمهیر (سحابی، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

با این حال، ضرغام تنها با ذکر جمله «رئیس جمهوری» ترجیح داده با حذف جزئیات زودتر داستان به پایان برساند و این تنها مورد این کتاب نیست که او چنین تصمیمی گرفته است.

ما ترجمه‌ها و میزان وفاداری مترجمان به زبان مبدأ را ارزیابی کردیم و مشکلاتی را که ترجمه از زبان واسطه ایجاد کرده است، براساس دو نظریه ارزیابی ترجمه، وینی و داربلنه و جولیان هاوس آشکار کردیم؛ به عبارت دیگر، سعی ما بر این بوده که به سه مسئله پاسخ دهیم:

۱. میزان وفاداری مترجمان فرانسوی و انگلیسی به اثر، در انتقال محتوای کتاب و سبک نویسنده.

۲. مترجمان فارسی اثر که از زبان واسطه ترجمه کرده‌اند، در انتقال عناصر زبانی و خصوصیات متنی

چقدر موفق بوده‌اند؟

۳. در دو ترجمه فارسی، مترجمان ما برای انتقال عناصر فرهنگی چگونه عمل کرده‌اند؟

برای پاسخ به این سؤالات، ما اساس کلی تحلیل را نظریه جولیان هاوس و در تحلیل جزئیات از نظریه وینی و داربلنه استفاده کرده‌ایم. طبق نظریه جولیان هاوس، ابتدا باید بافت متن مبدأ مشخص شود و اینکه آیا مترجم جملات را در متن مورد نظر براساس بافت همان متن ترجمه کرده است یا خیر. در مرحله بعدی، جزئیات گفتمان را در متن مبدأ بررسی و جملات را با توجه به گفتمان خاص متن اصلی ترجمه می‌کند. برای تجزیه و تحلیل جزئیات بافت‌ها و گفتمان‌ها، از نظریه ارزیابی وینی و داربلنه با هفت روش (وام‌گیری، گرده‌برداری، ترجمه تحت‌اللفظی، انتقال، سازگاری، تعدیل، تقویت) استفاده کردیم. در تئوری خود، جولیان هاوس ابتدا توصیفی از بافت متن اصلی تهیه می‌کند، سپس براساس گفتمان خود، شرح گفتمان متن مبدأ را که با توجه به بافت گفتمان قابل تشخیص است، به شرح اولیه تهیه شده اضافه می‌کند. او سپس نقش را از نظر ارتباط بین فرستنده و گیرنده پیام و انتقال اطلاعات توضیح می‌دهد. سپس به متن مقصد رجوع می‌کند و مراحل توصیفی قبل را انجام می‌دهد. سرانجام، با مقایسه توصیف متن مبدأ و شرح متن مقصد، مجموعه‌ای از ناسازگاری‌ها و اشتباهات را پیدا می‌کند که با توجه به شرایط، بافت و غیره طبقه‌بندی شده‌اند. او بیان می‌کند که خطاهای مربوط به شرایط در واقع به‌طور ضمنی اشتباه هستند. از طرف دیگر، خطاهای صریحی وجود دارد که با خطاهای آشکار و ناسازگاری‌های درون‌متنی مرتبط است. او پس از توصیف کیفیت ترجمه، آن را به دو نوع آشکار و مخفی طبقه‌بندی می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

در مطالعه دو ترجمه فرانسوی و انگلیسی از اسپانیایی، درباره انتقال محتوا، کل داستان به‌درستی منتقل شده است؛ اما در کتاب اسپانیایی چند شعر و دعا وجود دارد که مترجمان گاهی ترجیح داده‌اند، به دلایل فرهنگی،

بدون تغییر به متن ترجمه خود اضافه کنند. در این حالت انتقال محتوا آسیب دیده است. با این حال، مترجم فرانسوی غالباً شعرها را ترجمه کرده و فقط دعاها را به شکل لاتین رها کرده است. همچنین برخی از مشکلات مربوط به سبک و انتقال آوایی وجود دارد که در آنها مترجم فرانسوی هوشمندانه‌تر از مترجم انگلیسی عمل کرده است. سبک نویسنده با بافت اغلب تاریخی و عبارات آشفته، تکرار فعل‌ها و اسم‌ها و زمان فعل نامتعادل که بیانگر تمام اختلالات روحی و جسمی قهرمان داستان است، در هر دو ترجمه به خوبی بیان شده است. مترجم انگلیسی در انتقال سبک آوایی ضعیف‌تر بوده، به‌ویژه در متن شعر و جاهایی که تصاویری خاص با واج ساخته شده است. به‌طورکلی، بلاغت ترجمه فرانسوی به دلیل شباهت اسپانیایی به فرانسوی بیش از انگلیسی احساس می‌شود و خواننده بیشتر با قهرمان داستان همزادپنداری می‌کند.

مترجمان فارسی کتاب مرگ آرتیمو کرو، به دلیل تأثیر بافت و گفتمان تحریف‌شده (که طبق نظریه جولیان هاوس حامل خطاهای پنهان هستند) توسط زبان‌های واسطه (فرانسه و انگلیسی)، بسیاری از مفاهیم موردنظر نویسنده را ترجمه نکرده‌اند. این اتفاق با حذف، انتخاب معادل‌های نامناسب که خارج از بافت و فضای گفتمان نویسنده است و همانندسازی برای کاهش تنش‌های سیاسی، مذهبی و عرفی موجود اتفاق افتاده است. این تغییرات گاهی نتیجه تلاش مترجمان اول برای تسهیل درک مخاطبان فرانسوی‌زبان و انگلیسی‌زبان است که به‌طور مستقیم می‌توان در تطبیق ترجمه‌های ثانویه با بافت‌های تاریخی، ادبی، زمانی و از همه مهم‌تر فرهنگی (که در بسیاری از زمینه‌ها به‌طور مفصل بررسی کردیم) و گفتمان روایی داستان، در گذر از زبان واسطه مشاهده کرد. بنابراین از نظر فرهنگی، ترجمه‌های بدون واسطه از کتاب اسپانیایی، ترجمه آشکار و ترجمه‌های ثانویه که از زبان واسطه صورت گرفته‌اند، ترجمه‌هایی ضمنی و پنهان هستند و بنابراین حضور خطاهای پنهان در ترجمه‌های پنهان، امری اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، ترجمه سحابی در مقایسه با ضرغام، از خطاهای آشکار و پنهان بیشتر در امان بوده است که این به دلیل مهارت و شناخت مترجم از زبان مبدأ و همچنین مطابقت نسخه فرانسوی با نسخه اسپانیایی است. بنابراین با توجه به نتایج تحقیق، در ترجمه از زبان واسطه اگر مترجم اول عملکرد خوبی داشته باشد و به‌ویژه، به دلیل قرابت زبانی و فرهنگی، ترجمه آشکار از متن اصلی انجام داده باشد، مترجم دوم نیز در انتقال سبک و محتوا، به موفقیت نسبی دست خواهد یافت.

با توجه به تحقیقاتی که انجام شده است، در زمینه زبان واسطه مطالعات اندکی صورت گرفته، بنابراین، می‌توان به دانشجویان پیشنهاد کرد که درباره تأثیر زبان واسطه بر چالش‌های ترجمه، به‌ویژه در مورد مؤلفه‌های فرهنگی، بیشتر به تحقیق پردازند.

منابع

- امامی، محمد. (۱۳۸۵). سنجش کیفیت ترجمه: توصیف زبان‌شناختی در برابر ارزش‌گذاری اجتماعی. مهرآه، ۲ (۵ و ۶ و ۷)، ۵-۷.
- چراغی، فاطمه؛ جوادی نسب، سرور. و اربابی، محمدرضا. (۱۳۹۵). ارزیابی کیفی ترجمه فارسی به انگلیسی کتاب نونی صفر اثر سید حسن شکری براساس مدل جولیان هاوس (۲۰۰۶). همایش ملی ترجمه و مطالعات میان‌رشته‌ای.
- حسین، طه. (۱۹۸۱). الوان، الطبعة السادسة. القاهرة: دارالمعارف.
- سعیدآوی، علی. (۱۳۹۵). بررسی کیفیت ترجمه از زبان واسطه با رویکرد متن‌مدارانه. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۴۲، صص. ۲۳۸-۲۱۹.
- سعیدآوی، علی و احمدی، سجاد. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی ترجمه از زبان واسطه (بررسی موردی ترجمه شکرالله شجاعی‌فر از رمان عرس‌الزین). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۰ (۲۳)، ۱۱۹-۱۳۷.
- متقی‌زاده، عیسی و نقی‌زاده، سیدعلا. (۱۳۹۶). تأثیر مسائل ایدئولوژیک در کیفیت ترجمه اخبار عربی (بررسی موردی: ترجمه خبر شبکه الجزیره در خبرگزاری فارس براساس الگوی جولیان هاوس). جستارهای زبانی، ۸ (۴)، صص ۸-۴.
- هاشمی، خالقداد و عباسی، مصطفی. (۱۳۱۳). پنجاکیانه یا پنج داستان. تصحیح و توضیح جلالی نایینی و همکاران. تهران: انتشارات اقبال.
- Delisle, J. & Woodsworth, J. (2007). *Les traducteurs dans l'histoire*. Presses de l'Université d'Ottawa.
- Genette, G. (1997). *Paratexts*. Cambridge: University Press.
- Hosseini, A. (2021). The Differences between Direct and Indirect Translation: An assessment of two translations of the Japanese novel Black Rain. *Language Related Research*, 11 (6), 229-255.
- House, J. (1998). *Quality of Translation*, in *Routledge Encyclopedia of Translation Studies* edited by Mona Baker. London: Routledge.
- House, J. (1997). *Traduction Explicite et Implicite*. Université d'Hambourg.
- House, J. (2015). *Translation Quality Assessment: Past and Present*. Londres: Routledge.
- Ibrahim, M. (2015). *Étude comparative de la traduction directe et intermédiaire du roman Etranger d'Albert Camus*. Université Alborz.
- Rolland M. (2016). *L'embargo Mishima : Une traduction relayée et ses paradoxes*. Université Concordia Montréal, Québec, Canada.
- Varmaziyari, H. & Manafi Anari, S. (2016). House's Newly Revised Translation Quality Assessment Model in Practice: A Case Study. *Translation Studies Quarterly*, 13 (52), 26-70.

Zafarani, Gh. (2012). *Application of House's Model (TQA) in Translation of English Political Texts into Persian*. Université islamique d'Azad, branche centrale de Téhéran.